

# مبادله الهی



نویسنده: درک پرینس  
مترجم: سرگن دانیالی



درک پرینس

## دعوت عظیم

عیسی مسیح دعوتی بعمل آورد که مربوط به تمام انسانهاست: «بپایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید.» (انجیل متی ۲۸:۱۱)

مهم نیست که بار، احتیاج و یا مشکل شما چیست خدا جوابی آماده برای شما دارد. و شما این جواب را تنها در یک جا می‌توانید پیدا کنید: صلیبی که عیسی بر روی آن مرد. فقط و فقط از طریق صلیب است که احتیاج شما برآورده می‌شود. مشکل شما جواب پیدا می‌کند و شما از زیر بار گرانباران آزاد می‌شوید. صفحاتی را که در بی خواهند آمد با انتظار برای یافتن جواب بخوانید.

## مبادله الهی

تمام پیام انجیل (یعنی خیر خوش) دور یک اتفاق منحصر به فرد تاریخی می‌چرخد: مرگ فداکارانه عیسی روی صلیب. نویسنده رساله به عبرانیان با توجه به این امر می‌گوید: «پس او با یک قربانی افرادی را که خدا تقدیس می‌کند برای همیشه کامل ساخته است.» (عبرانیان ۱۰:۱۴). در اینجا دو عبارت خیلی مهم «همیشه» و «کامل» ساخته است، با هم آمده‌اند آنها با همدیگر چگونه قربانی را به تصویر می‌کشند که تمامی احتیاجات نژاد انسانی را شامل می‌شود و تأثیرات آن در ورای زمان تا ابدیت گسترش می‌یابد. براساس همین قربانی بود که پولس رسول در رساله فیلیپیان ۱۹:۴ می‌نویسد: «و خدای من همه احتیاجات شما را با ثروت عظیم خود در مسیح عیسی رفع خواهد

قابل توجه خوانندگان عزیز: لازم بنذکر است که در این جزوه، آیات بکار رفته از عهدعتیق از ترجمه قدیمی کتاب مقدس، و آیات بکار رفته از عهدجدید از ترجمه انجیل شریف که به زبان فارسی امروزی است نقل شده‌اند. این کار به این دلیل صورت گرفته است که در امر تسهیل درک آیات کمک شده باشد. عزیزانی که هیچکدام از ترجمه‌های فوق را ندارند می‌توانند از ترجمه کتاب مقدس تفسیری استفاده کنند که کمک شایانی به درک آیات خواهد کرد.

با تشکر مترجم: سرگن دانیالی

کرد. عبارت (تمامی احتیاجات شما) همه جنبه‌های زندگی شما را از قبیل بدن، نفس، ذهن، احساسات و بهمان اندازه احتیاجات مادی و مالی شما را شامل می‌شود. هیچ چیز نیست که به سبب خیلی بزرگ بودن و یا خیلی کوچک بودن از طرف خدا برآورده نشود. خدا بوسیله انجام کاری بی نظیر و فراگیر همه احتیاجات و همه دردهای انسانیت را در لحظه‌ای که کار او به اوج خود رسید در یک جا جمع کرد.

خدا برای احتیاجات بیشمار انسانها راه حل‌های گوناگون تدارک ندیده است. بلکه در عوض فقط یک راه حل کاملاً نتیجه بخش را ارائه می‌دهد که پاسخگوی هرگونه مشکل انسان است. هرکدام از ما احتمال دارد از مسابقه خیلی متفاوتی برخوردار بوده باشد. هر کدام از ما زیر بار احتیاجات مخصوص به خودش است. ولی برای دریافت راه حل خدای همه ما باید راه خود را بسوی یک مکان در پیش گیریم: صلیب عیسی.

شرح کامل آنچه بر روی صلیب انجام شد ۷۰۰ سال پیش از آن، توسط اشعیا نبی به رشته تحریر درآمده بود (پسگویی شده بود). در آیه ۵۳: ۱ از کتاب اشعیا نبی خادم خداوندی در تصویر کشیده شده است که جان او می‌بایست قربانی گناهان برای خدا می‌شد. نویسندگان عهد جدید هم با هم موافق هستند که خادمی که شرحش آمده است، عیسی است. مقصود الهی که توسط قربانی او به مورد اجرا درآمد بطور خلاصه در اشعیا ۵۳: ۶ ذکر شده است: «جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمع ما را بروی نهاد»

اینجاست مشکل اساسی و جهانی همه نژاد انسانی: «همه ما به

راه‌های خود رفته‌ایم، گناهان مشخص در عین حال متنوعی وجود دارند که خیلی از ما هیچگاه مرتکب نشده‌ایم. مانند: قتل، زناه، دزدی و امثال آنها. ولی ما همه در این یک چیز مشترک هستیم: «ما به راه‌های خود رفته‌ایم» و با انجام این عمل، به خدا پشت کرده‌ایم. لغت عبری برای توصیف این عمل **آون** (1) است که در اینجا گناه ترجمه شده است. شاید نزدیکترین معادل برای این کلمه به زبان فارسی **امروزی عصبان باشد** - عصبان نه علیه انسان بلکه علیه خدا. بهرحال هیچکدام از لغات فارسی چه **گناه** و چه **عصبان** شاید معنی کامل کلمه **آون** را نرسانند. کتاب مقدس نه فقط کلمه **آون** را به معنی **گناه** به کار می‌برد بلکه به معنی **مجازات** و یا **عواقب بدی** است که **گناه** به بار می‌آورد.

برای مثال در پیدایش ۱۳:۴، بعد از اینکه خدا داری خود را بر قاتل بخاطر کشتن برادرش اعلام کرد، قاتل گفت: «عقوبتم از تحملم زیاده است». لغتی که در اینجا عقوبت ترجمه شده همان کلمه **آون** است. این کلمه نه تنها **گناه** قاتل بلکه **عقوبتی** را هم که نصیب او شد شامل می‌شود.

در لایوان ۲۲:۱۶، در مورد بزی که در روز کفارها رها می‌شد، خداوند گفت: «و بز همه گناهان ایشان را به زمین ویران بخورد خواهد برد...». در این سمبل سازی، این بز نه تنها گناهان قوم اسرائیل بلکه تمامی عواقب این گناهان را هم، متحمل شد.

در باب ۴ کتاب مروانی ارمیاء نبی کلمه **آون** دوباره با همین معنی آمده است. در آیه ۶ این کلمه بصورت **وزیرا** که عصبان دختر قوم

من...» ترجمه شده و در آیه ۲۲ بصورت **ای دختر صهیون سزای گناه تو تمام شد...** ترجمه شده است.

در این آیات کلمه **آون** هم **گناه** و هم **سزای آن گناه** ترجمه شده است. به عبارت دیگر کلمه **آون** به صورت کامل، نه تنها **گناه** معنی می‌دهد بلکه **عقوبت** و **سزایی** را هم که داری خدا بر روی گناه وارد می‌آورد. این مفهوم به قربانی عیسی روی صلیب هم مربوط می‌شود. عیسی خود مقصر هیچ گناهی نبود. در اشعیا ۵۳: ۹ می‌خوانیم که: «...هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حیل‌های نیوده، ولی در آیه ۶ نیز می‌گوید: «...خداوند گناه (آون) جمع ما را بروی نهاد».

عیسی نه تنها گناهان ما را بر خود گرفت بلکه همه عواقب آن گناهان را هم بر خود متحمل شد. مانند آن بز رها شونده که دقیقاً تصویر خود او بود، او آن گناهان و عواقب را آنقدر از ما دور کرد که دیگر هیچگاه بسوی ما برنگردند. این است معنی و مقصود حقیقی صلیب: «بر روی صلیب یک جابه‌جایی الهی از قبل برنامه‌ریزی شده بوقوع پیوست». اول، عیسی تمامی عواقب بدی را که عدل الهی در ازای گناهان ما جاری ساخته بود بجای ما بر خود گرفت و حالا در عوض خدا تمام نیکویی را که به خاطر اطاعت بدون گناه عیسی نصیب او شد به ما تقدیم می‌کند.

بازیان مختصر: «آن بدی که نصیب ما بود روی عیسی آمد تا در عوض، آن نیکویی که نصیب عیسی شد بتواند نصیب ما گردد». خدا می‌تواند این را به ما عطا کند بدون اینکه تناقض یا عدالت جاودانی او پیدا شود. چونکه عیسی قبلاً تمامی عقوبتی را که سزای گناهان ما بود بر خود گرفت.

تمامی اینها از فیض بی‌پایان خدا ناشی می‌شود که فقط از طریق

ایمان قابل دریافت است.

هیچ توضیح منطقی برای چنین سبب و تأثیری وجود ندارد. هیچکدام از ما هرگز کاری نکرده‌ایم که لیاقت چنین پاداشی را داشته باشیم و هیچکدام از ما هرگز نمی‌توانیم هیچ کاری جهت بدست آوردن آن بکنیم.

کتاب مقدس جنبه‌های گوناگون این جابه‌جایی و همچنین موارد گوناگون کاربرد آن را بیان می‌کند. اما در هر یک از این موارد یک اصل بخوبی رعایت شده است: **بدی روی عیسی قرار گرفت تا نیکویی متناسب با آن بتواند نصیب ما گردد!**

دو جنبه اولیه این جابه‌جایی در اشعیا ۴:۵۳-۵ به قرار زیر آمده‌اند:

«او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم. و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بروی آمده و از زخم‌های او ما شفا یافتیم. در اینجا دو حقیقت با هم آمیخته‌اند که عمل یکی از آنها روحانی و دیگری جسمانی یا فیزیکی است. در بعد روحانی ۷ عیسی عقوبت مربوط به گناهان ما را بر خود گرفت تا اینکه ما بتوانیم بخشوده شویم و با خدا مصالحه کنیم (رومان ۱:۵). در بعد فیزیکی، عیسی بیماریها و دردهای ما را بر خود حمل کرد تا اینکه از طریق زخم‌های او ما شفا پیدا کنیم.

حالت فیزیکی این جابه‌جایی در دو جا از عهد جدید ذکر شده است. متی ۱۶:۸-۱۷ به اشعیا ۴:۵۳ اشاره میکند و می‌گوید: «...او (عیسی) با گرفتن یک کلمه دیوها را بیرون می‌کرد و تمام بیمارانش را شفا

می داد تا پیشگویی اشعیاء نبی تحقق یابد که گفته بود: او ضعف های ما را برداشت و مرضهای ما را از ما دور ساخت.

و در اول بطرس ۲۴:۲ بطرس رسول به اشعیاء ۵۳:۵-۶ اشاره می کند و می گوید: «مسیح شخصاً بارگناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد تا ما هم نسبت به گناه بمریم و برای نیکی مطلق زیست کنیم. زیرا به سبب زخم های اوست که شما شفا یافته اید.»

جایه جایی دوگانه ای را که در آیات بالا توصیف شد بصورت زیر

می توان خلاصه کرد:

عیسی مجازات شد تا ما بخشوده شویم

عیسی زخمی شد تا ما شفا یابیم

سومین جنبه جایه جایی در اشعیاء ۵۳:۱ آمده است که می گوید: خدا جان عیسی را قربانی گناه ساخت. و اینرا باید در پرتو قوانین حضرت موسی در مورد انواع قربانی گناه درک کرد. کسی که مرتکب گناهی شده بود لازم بود که یک قربانی نزد کاهن بیاورد - یک گوسفند، یک بز، یک گاو و یا یک حیوان دیگر. سپس او گناه خود را بالای سرفرانی اعتراف می کرد و کاهن به طور سمبولیک گناه اعتراف شده او را به روی حیوان انتقال می داد. سپس حیوان کشته می شد و بدین صورت مجازات گناهی را که به او انتقال داده شده بود محتمل می شد.

در پیش دانی خدا، همه اینها قبلاً طرح ریزی شده بود تا نشان دهنده آن قربانی نهایی عیسی باشد که کاملاً کافی است. بر روی صلیب گناه تمام مردم جهان به جان عیسی انتقال داده شد. و حاصل این امر در اشعیاء ۱۲:۵۳ توضیح داده شده است: «... او جان خود را به مرگ ریخت. ... عیسی از طریق قربانی جایگزینی خودش گناه تمام

نژاد انسانی را کفاره کرد. در دوم فرنتیان ۲۱:۵ پولس به اشعیاء ۵۳:۱ اشاره می کند و جنبه های مثبت این جایه جایی را به این صورت شرح می دهد: «مسیح کاملاً بی گناه بود، ولی خدا بخاطر ما او را بی گناه

نشناخت، تا ما بوسیله اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.» در اینجا پولس درباره آن نوع نیکی با عدالتی صحبت نمی کند که

ما با تلاش های خود می توانیم بدست بیاوریم بلکه درباره نیکی خود خدا، یعنی آن نوع نیکی که هیچگاه گناه را شناخته است و هیچکدام

از ما هم نمی تواند آن را بدست بیاورد. همانقدر که آسمان از زمین بلندتر می باشد همانقدر هم نیکی خدا از نیکی ما بلندتر است. و این

نوع نیکی را ما فقط بوسیله ایمان می توانیم بدست بیاوریم. این سومین جنبه جایه جایی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

عیسی بوسیله گناهکاری ما گناه شد تا ما بوسیله عدالت او عادل شویم.

جنبه بعدی جایه جایی یک نتیجه گیری منطقی از همین جنبه آخری است. نسامی کتاب مقدس چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید تأکید می کند که حاصل نهایی گناه مرگ است. در حزقیال

۴:۱۸ خداوند می گوید: «هر کسی که گناه ورزد خواهد مرد.» در یعقوب ۱۵:۱ رسول خداوند می گوید: «... وقتی گناه کاملاً رشد کرد

باعث مرگ می شود. وقتی که عیسی بصورت گناه ما معرفی شد اجتناب ناپذیر بود که او مرگ ناشی از گناه ما را هم تجربه کند.»

در تأیید این مطلب در عبرانیان ۹:۲ می خوانیم که: «اما عیسی را می بینیم که اندک زمانی از فرشتگان پست تر گردیده و اکنون تاج جلال و افتخار بر سر دارد، زیرا او متحمل مرگ شد تا بوسیله فیض

خدا، به خاطر تمام آدمیان طعم مرگ را بچشد.» مرگ عیسی حاصل

اجتناب ناپذیر گناه انسان بود که او بر خود متحمل شد. او گناه همه انسانها را بر خود گرفت و در نتیجه به جای همه انسانها بخاطر گناه

مرد و در عوض حالا عیسی به همه آنانی که قربانی نیایی او را قبول می کنند حیات جاودانی عطا می کند. در رومیان ۲۳:۶ پولس دو

انتخاب را کنار هم قرار می دهد: «مزدی که گناه می دهد موت است اما خدا به کسانی که با خداوند ما، مسیح عیسی متحد هستند حیات

جاودانی می بخشد.»

بدین ترتیب چهارمین جنبه این جایه جایی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

عیسی به جای ما مرد تا ما بتوانیم حیات او را کسب کنیم.

جنبه دیگر جایه جایی در دوم فرنتیان ۹:۸ توسط پولس رسول ذکر شده است: «شما فیض (هدیه) خداوند ما عیسی مسیح را می دانید

که هر چند دولتمند بود برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید، جایه جایی واضح است: از فقر به ثروت. عیسی فقیر شد تا ما

در عوض بتوانیم ثروتمند شویم.

عیسی کی فقیر شد؟ بعضی از مردم تصور می کنند که عیسی طی خدمات زمینی اش فقیر بود، ولی این امر صحت ندارد. او با خودش

مقدار زیادی پول حمل نمی کرد ولی هیچگاه دچار کمبود چیزی نشد. وقتی که او شاگردان خود را به مأموریت فرستاد آنها هم دچار

کمبود نشدند. (لوقا ۲۲:۲۵ را لطفاً ملاحظه کنید). از این گذشته نه فقط فقیر نبود بلکه او و شاگردانش همیشه به فقیران صدقه

می دادند (یوحنا ۴:۱۲ و ۸-۲۹:۱۳ را لطفاً ببینید).

این حقیقت دارد که روش های عیسی جهت بدست آوردن پول

گاهی اوقات با بقیه مردم تفاوت می کرد ولی پول پول است، چه از بانک دریافت شود و چه از دهان ماهی (متی ۱۷:۲۷) را لطفاً ببینید).

روشهای او برای تهیه غذا هم گاهی اوقات غیرعادی بود. مردی که بتواند غذای کافی جهت ۵۰۰۰ مرد (بعلاوه زن و کودک) تدارک ببیند

بطور یقین طبق استانداردهای امروزی فقیر خوانده نمی شود (متی ۱۵:۱۴-۲۱).

در حقیقت عیسی طی خدمات زمینی اش مفهوم «فراوانی» را درست همانطور که کتاب مقدس قبلاً تعریف کرده بود به ظهور رساند.

او همیشه دارای همه آن چیزهایی بود که برای انجام اراده خدا لازم داشت. و بالاتر از این او همیشه آنقدر داشت که به دیگران هم کمک

کند. منابع او هیچگاه تمام نمی شد.

پس به خاطر ما عیسی چه زمانی فقیر شد؟ جواب این است: بر صلیب. در سفر تثنیه ۴۸:۲۸ موسی فقر مطلق را در چهار کلمه

توصیف می کند: گرسنگی، تشنگی، برهنگی و احتیاج به همه چیز. عیسی همه اینها را به صورت کامل بر صلیب تجربه کرد.

او گرسنه بود. او به مدت تقریباً ۲۴ ساعت غذا نخورده بود.

او تشنه بود. یکی از آخرین گفته هایش این بود که: «تشنه ام» (یوحنا ۱۹:۲۸).

او برهنه بود. سوزنازان همه لباسهای او را از او گرفته بودند (یوحنا ۱۹:۲۳).

او محتاج به همه چیز بود. او دیگر هیچ چیزی در تعلق خود نداشت. بعد از مرگش هم در یک کفن عاریه ای پیچیده شد. در یک قبر عاریه ای

مدفون گردید. (لوقا ۲۳:۵۰-۵۳). به این ترتیب، عیسی به خاطر ما فقر مطلق را دقیقاً و کاملاً متحمل گردید.

در دوم فرشتان ۸:۹ پولس این جنبه مثبت جابه جایی را به شکل دقیقتری توضیح می دهد: «او (خدا) قادر است که هر نوع برکتی را به شما عطا فرماید تا همیشه، به اندازه کفایت و حتی بیش از آن داشته باشید. تا بتوانید با سخاوتمندی در امور خیر و نیکو بذل و بخشش کنید، پولس مواظب است که تأکید بر این مطلب را فراموش نکند که علت این جابه جایی فیض خداست که برای ما غیر قابل خرید است. و فیض الهی را فقط می توان با ایمان بدست آورد. اغلب اوقات فراوانی ما شبیه است به آنچه که عیسی روزی زمین داشت. ما مجبور نیستیم که همیشه مقدار زیادی پول با خود حمل کنیم و یا اینکه در حساب بانکی خود پول فراوانی داشته باشیم. با این حال روز به روز برای احتیاجات خود مقدار کافی خواهیم داشت. حتی بیشتر از این هم خواهیم داشت تا اینکه صرف احتیاجات دیگران بکنیم.

یکی از دلایل مهم این امر که خدا احتیاجات ما را تا این سطح تأمین می کند می توان در فرمایش عیسی یافت که در اعمال ۳۵:۲۰ نقل گردیده است: «دادن از گرفتن فرخنده تر است». هدف خدا این است که همه فرزندانش قادر باشند تا از برکت عظیمتری لذت ببرند که همانا بخشش به دیگران است. از اینرو و برای تمامی احتیاجات ما پیش از اندازه لازم تدارک می بیند تا ما هم بتوانیم به سهم خود از آن برکات به دیگران هم بدهیم.

این پنجمین جنبه جابه جایی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

عیسی فقر را منحل شد تا ما بتوانیم در فراوانی او شریک شویم. جابه جایی روی صلیب تمامی انواع دردهای احساسی را هم

شامل می شود که به دلیل گناه بر انسان عارض می شوند. در این مورد هم عیسی ضربه را متحمل شد تا ما متقابلاً بتوانیم از وجود چیز خوب لذت ببریم. دو زخمی که گناهان ما بر ما بوجود می آورند احساس شرم و احساس طردشدگی است. هر دوی آنها بر صلیب روی عیسی قرار گرفت.

احساس شرم همیشه مانع مشارکت ارزشمند انسان با خدای خود و دیگر انسانها می شود و می تواند از نظر شدت، از یک در خود فرو رفتن ناشی از پندار بی ارزش بودن تا یک دست پاچگی شدید تغییر کند.

یکی از علل شایع این امر - که رفته رفته در جامعه امروزی ما روبه افزایش است - این است که شخص در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار می گیرد. اغلب این امر از نظر عاطفی چنان ضربه ای به شخص می زند که فقط فیض الهی قادر به شفادهادن آن است.

نویسنده رساله به عبرانیان هنگام صحبت درباره عیسی می گوید: «...او... متحمل صلیب شد و به رسوایی مردن بر روی صلیب اهمیت نداد...». اعدام روی صلیب در آن زمان شرم آورترین نوع مرگ بود و شایسته پستترین جنایتکاران به حساب می آمد. تمامی لباسهای شخصی را که قرار بود اعدام شود می کردند و او را برهنه در معرض دید عامین قرار می دادند و آنها هم متقابلاً با تمسخر و استهزاء او را مورد ریشخند قرار می دادند. این بود درجه شرمی که عیسی هنگام آویخته شدن بر صلیب متحمل شد (انجیل متی ۲۷: ۲۵-۲۴).

مقصود خدا این است که تمامی آنهايي را که به عیسی اعتماد دارند نزد خود بیاورد تا بجای آن شرمی که عیسی بخود گرفت، آنها در جلال ابدی عیسی شریک شوند. در عبرانیان ۱۰:۲ نویسنده رساله

می گوید: «شایسته بود که خدا - آفریدگار و نگهدار همه چیز - برای این که فرزندان بسیاری را به جلال برساند عیسی را نیز که پندید آورنده نجات آنان است از راه درد و رنج به کمال رسانده، شرمی که عیسی بر روی صلیب متحمل شد راه را برای تمام افرادی باز کرد که می خواهند بوسیله اعتماد بر عیسی از درد شرم آزاد شوند. به علاوه عیسی با اقتدار ابدی خود آنها را شریک در جلال خود می کند!

زخم دیگری هم وجود که اغلب اوقات دردناکتر از احساس شرم است. و آن، احساس طرد شدگی (رد شدگی) است. این احساس اغلب از نوعی گسستن روابط ناشی می شود. در شکل ابتدایی توسط والدینی بوجود می آید که فرزندان خود را طرد می کنند. این طرد کردن ممکن است از راههای خشن و منفی صورت گیرد و یا آنکه بصورت کوتاهی کردن در امر نشان دادن محبت و بذلبرش کودک باشد. اگر یک مادر آریستن احساسات منفی نسبت به جنین داخل رحمش نشان دهد، به احتمال قوی آن جنین با یک احساس طرد شدگی به دنیا خواهد آمد که می تواند تا زمان بلوغ و حتی مرگ ادامه پیدا کند. شکست خوردن در ازدواج هم دلیل بروز احساس طردشدگی است. این امر در اشعیا ۶:۵۴ بطور خیلی روشن به تصویر کشیده شده است:

زیرا خداوند ترا مثل زن ترک شده، و رنجیده دل خوانده است و مانند زوجه جوانیکه ترک شده باشد.

تدارک خداوند جهت شفای زخم طرد شدگی در متی ۲۷: ۴۶ و ۵۰ به ثبت رسیده است که درد خیلی بزرگ عیسی را توصیف می کند: «نزدیک ساعت سه عیسی با صدای بلند فریاد کرد: «ایلی، ایلی، لماسبتنی؟» یعنی: خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟

«...عیسی بار دیگر فریاد بلندی کشید و جان سپرد. در تاریخ کائنات این اولین بار بود که پسر خدا از پدرش سؤال کرد که برای آنها هیچ پاسخی دریافت نمود. عیسی آفتد کامل بصورت گناه پسر درآمده بود که عدالت خدشه ناپذیر خدا باعث شد او حتی پسر خود را هم رد کند. بدین طریق عیسی دردناکترین حس طرد شدگی را متحمل شد. یعنی طرد شدن از طرف پدر تقریباً بلافاصله بعد از این امر عیسی جان سپرد. مسیح نه بخاطر زخمهای ناشی از مصلوب شدن، بلکه بخاطر قلبی که در نتیجه طرد شدن ترکیده بوده، جان سپرد.

و منی بلافاصله اینطور ادامه می دهد:

«در آن لحظه برده اندرون مقدس معبد از بالا به پایین دوباره شد...»

بطور سمبولیک این بدان معنی بود که راه دخول انسان گناهکار به یک مشارکت مستقیم با خدای مقدس باز شد. ترک شدن عیسی راه را برای آن باز کرد که خدا ما را بعنوان فرزندانش بپذیرد. این را پولس در افسسیان ۱: ۵-۶ به این صورت جمع بندی می کند: «بر حسب صلاحیت اراده خویش برای ما مقرر فرمود که بوسیله عیسی مسیح فرزندان او شویم، تا خدا را برای فیض پرشکوهش که رایگان در پسر عزیز خود به ما بخشیده است سپاس گوئیم.

طرد شدن عیسی باعث می شود تا ما در حضور خدا پذیرفته شویم.

علاج خدا برای احساس شرم و مطرود بودن هرگز به اندازه امروز مورد نیاز نبوده است. تخمین من این است که یک چهارم بزرگسالان در دنیا از زخمهای ناشی از شرم و طرد شدن رنج می برند. قرار دادن

این گونه اشخاص در معرض شفاعتی که از صلیب عیسی جاری می شد شادی بی حد و اندازه‌ای نصیب من ساخته است.

دو جنبه احساسی جابه‌جایی روی صلیب را که در بالا مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم شاید بتوان بصورت زیر خلاصه کرد:

عیسی شرم (خجالت) ما را متحمل شد تا ما بتوانیم در جلال او سهیم بشویم.

عیسی طرد شدن ما را متحمل شد تا ما بتوانیم مورد قبول پدر واقع شویم.

جنبه‌هایی از جابه‌جایی الهی که در بالا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت شامل برخی از نیازهای بسیار اساسی و ضروری بشر است ولی همه موارد را بیان نکرده‌ام. در واقع هیچ احتیاجی وجود ندارد که در تنگه عصیان بشر وجود آمده باشد و اصل مربوط به جابه‌جایی الهی برای برطرف ساختن آن کفایت نکند یعنی این اصل که: **شر ویدی بر عیسی آمد تا تیکویی نصیب ما گردد.**

حالا به عالیتین و آخرین جنبه جابه‌جایی می‌رسیم که پولس در غلاطیان ۱:۳-۱۴ آنرا چنین توصیف می‌کند:

«وقتی مسیح بخاطر ما ملعون شد، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد زیرا کتاب مقدس می‌فرماید: «هر که به دار آویخته شود ملعون است». این همه واقع شد تا برکتی که خدا به ابراهیم وعده داده بود بوسیله عیسی مسیح به غیر یهودیان برسد تا ما روح‌القدس موعود را از راه ایمان بدست آوریم.»

پولس رسول در اینجا درباره عیسی که بر صلیب مصلوب شده بود قانونی از شریعت موسی را ذکر می‌کند که در سفر تثبیه ۲۳:۲۱ آن را می‌خوانیم، بر طبق آن کسی که بر روی یک تیر چوبی بصورت

آویخته اعدام شود حتماً زیر لعنت خدا بوده است. سپس او به نتیجه معکوس این امر اشاره می‌کند که: «برکت» می‌باشد.

لازم نیست دانشمندان الهیات باشیم تا بتوانیم این جنبه جابه‌جایی را درک کنیم که:

عیسی زیر لعنت قرار گرفت تا ما بتوانیم داخل برکت شویم

لعنتی که بر روی عیسی آمد به صورت «لعنت شریعت» تعریف شده است. در تثبیه باب ۲۸، موسی فهرست کاملی ارائه می‌دهد که

هم شامل برکاتی است که نتیجه اطاعت از شریعت خدا هستند و هم شامل لعنتهایی است که در نتیجه بی‌اطاعتی از شریعت می‌باشند. لعنتهایی که در تثبیه ۱۵:۲۸-۶۸ ذکر شده‌اند می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

پستی و حقارت - نازیبی (بی‌نمر بودن) - بیماریهای ذهنی - فروپاشی خانواده - فقر - شکست - افسردگی - درماندگی - عدم لطف خدا.

آیا برخی از این موارد در مورد زندگی شما صادق است؟ آیا چیزهایی وجود دارد که مانند سایه تاریک روی شما فرود می‌آید و مانع تابش آن برکتی از خدا می‌شود که آرزوی شما را دارید؟ اگر چنین است، ریشه مشکل شما ممکن است لعنتی باشد که احتیاج دارید از آن آزاد شوید.

برای درک درجه مخوف بودن لعنتی که بر روی عیسی آمد سعی کنید او را درحالی که بر روی صلیب آویخته شده بود مجسم نمایید:

عیسی توسط هم وطنانش ردشد، توسط بگی از شاگردانش تسلیم شد و دیگر شاگردان، او را ترک کردند (اگرچه چند نفرشان برگشتند نظائر آخرین درد هایش باشند). او برهنه بین زمین و آسمان

بصورت معلول درآمد. بدن او بخاطر درد ناشی از زخمهای بی‌شمارش شکنجه شد. جان او زیر بار سنگین گناهان تمام بشریت خورد می‌شد. زمین او را رد کرده بود، آسمان به فریاد او پاسخ نمی‌داد. هنگامی که خورشید نور خود را پس گرفت و تاریکی او را پوشاند خون جان او در حال جاری شدن بر زمین و خاک و سنگ بود. ولی درست قبل از اینکه آخرین نفس را بکشد از میان تاریکی آخرین فریاد پیروزمندانهاش به گوش رسید: «تمام شد.»

در متن یونانی عبارت «تمام شده» تنها از یک کلمه ساخته شده است و زمان گذشته بعید فعلی است که به معنی «چیزی را تکمیل کردن یا کامل کردن» می‌باشد. بزبان فارسی می‌توان آن را به این صورت ترجمه کرد: «کاملاً تمام شد و یا کاملاً تکمیل شد.»

هر نتیجه بدی را که بی‌اطاعتی نصیب بشریت کرده بود، عیسی برخود گرفت. او تمامی لعنتهایی را که نتیجه شکستن قانون خدا (شریعت) بود برخود گرفت. و همه اینها به این دلیل واقع شد که ما بتوانیم هرگونه برکتی را که نتیجه اطاعت او بود بدست بیاوریم.

این چنین قربانی شدن مسیح تأثیر بسیار شگفت‌انگیز و در عین حال از نظر سادگی بسیار حیرت آور است. آیا تا به حال تمام آنچه را که از طریق این قربانی نصیب شما می‌گردد پذیرفته‌اید؟

آیا حالا مشتاق هستید که این چنین تدارک کامل خدا را به پری دریافت کنید؟ مانی وجود دارد که همه ما باید آن را از میان برداریم یعنی مانع گناهان نابخشود. آیا کاملاً اطمینان دارید که تمامی گناهان شما بخاطر قربانی عیسی بخشوده شده‌اند؟ اگر نه، می‌توانید دعای ساده‌ای بصورت زیر بنمایید:

«خدایا من می‌فهمم که گناهکار هستم و گناهانی در زندگی خود دارم

که بخشوده نشده است. ولی من ایمان دارم که عیسی مجازات شد تا اینکه من بخشوده شوم باین خاطر حالا من از تو خواهم می‌کنم که در نام عیسی همه گناهان مرا بیمارمزی. کلام خدا قول می‌دهد که «اگر به گناهان خود اعتراف نمایم، می‌توانیم به او اعتماد کنیم زیرا او به حق عمل می‌کند - او گناهان ما را می‌آمرزد و ما را از همه خطاهایمان پاک می‌سازد.» (اول یوحنا ۱:۹)

به کلامی که خدا می‌گوید محکم بچسبید! در همین لحظه ایمان بیاورید که او حقیقتاً گناهان شما را آمرزیده است! و شما احتیاج دارید که جواب ساده‌ای به این حقیقت بدهید - جوابی که ساده‌ترین و خالصترین طرز بیان یک ایمان حقیقی باشد. و آن جواب این است: «خداوند! از تو متشکرم.»

همین حالا این کار را بکنید بگویید: «متشکرم. متشکرم خداوند عیسی که تو تنبیه شدی تا اینکه من بخشوده شوم. من این را کاملاً درک نمی‌کنم ولی به آن ایمان دارم و سپاسگزار هستم.»

وقتی که مانع گناه نداشته می‌شود راه برای ورود به تمامی برکاتی که خدا از طریق صلیب مهیا کرده است هموار می‌شود. همانند بخشایش گناهان، هرکدام از این برکات هم باید با ایمان ساده به کلام خدا پذیرفته شود.

هرکدام از ما نیازهای مخصوصی دارد و هرکدام از ما باید شخصاً بسوی خداوند بیاید و تدارک او را جهت این نیازها دریافت نماید. در زیر، بصورت عمومی کلماتی آمده است که شما می‌توانید جهت دریافت تمامی تدارکاتی که در این جزوه ذکر شده است ادا کنید:

۱- خداوند عیسی، از تو متشکرم که تو مجروح شدی تا من شفا بیابم.

۲- خداوند عیسی، از تو متشکرم که با گناهکاری من گناه شد تا اینکه

با عدالت تو عادل شوم.  
 ۳- خداوند عیسی، از تو متشکرم که به جای من مردی تا اینکه من زندگی تو را به دست آورم.  
 ۴- خداوند عیسی، از تو متشکرم که تو فقر مرا متحمل شدی تا اینکه من در فراوانی تو سهیم شوم.  
 ۵- خداوند عیسی، از تو متشکرم که شرم و خجالت مرا بر خود گرفتی تا اینکه من در جلال تو سهیم شوم.  
 ۶- خداوند عیسی، از تو متشکرم که رنج طرد شدگی مرا کشیدی تا اینکه من پذیرش تو را بوسیله پدر داشته باشم.  
 ۷- خداوند عیسی، از تو متشکرم که تو لعنت شدی تا من وارد برکت شوم.  
 هر یک از این تدارکاتی که برای آنها دعا کردید رشد یابنده (افزایش یابنده) است و دعای اولیه شما قدرت خدا را در زندگیتان آزاد می کند، اما این فقط نقطه شروع است. برای دستیابی به تدارکات کاملی که جستجو می کنید شما احتیاج خواهید داشت که این سه کار را بکنید:  
 الف - این حقایق را در کتاب مقدس، برای خودتان جستجو کنید.  
 ب - پیوسته جنبه مخصوصی از جابه جایی را که به احتیاج شما مربوط می شود اعتراف کنید.  
 پ - پیوسته ایمان خود را بوسیله سیاستگزاری از خدا جهت هر آنچه که فراهم کرده است اعلام کنید.  
 هر چقدر بیشتر خدا را شکر کنید، همانقدر بیشتر به آنچه او برای شما کرده است ایمان خواهید آورد. این دو چیز، یعنی «ایمان آوردن و شکر کردن» و «شکر کردن و ایمان آوردن» مانند پلکان هایی به

صورت مارپیچ هستند که شما را پیوسته بالا و بالاتر می برند. و به پری تدارک خدا می رسانند.  
 برای دریافت هرگونه رحمت خدا، فقط و فقط یک اساس کاملاً کفایت کننده وجود دارد: آن جابه جایی که روی صلیب صورت گرفت.  
 عیسی تنبیه شد تا اینکه ما بتوانیم بخشوده شویم.  
 عیسی زخمی شد تا اینکه ما بتوانیم شفا بیابیم.  
 عیسی با گناهکاری ما گناه شد تا ما بتوانیم با عدالت او عادل شویم.  
 عیسی به جای ما مرد تا ما از حیات او برخوردار شویم.  
 عیسی فقر ما را متحمل شد تا ما بتوانیم در فراوانی او شریک شویم.  
 عیسی شرم ما را بر خود گرفت تا ما بتوانیم در جلال او شریک شویم.  
 عیسی طرد شدگی ما را متحمل شد تا ما بتوانیم پذیرش او را توسط پدر دریافت کنیم.  
 عیسی متحمل لعنت شد تا ما بتوانیم وارد برکت شویم.  
 این فهرست کامل نیست. این جابه جایی جنبه های دیگری را هم دارد که می توان به این فهرست اضافه کرد. ولی همه اینها با هم و جنبه های مختلف آن چیزی هستند که خدا از طریق قربانی عیسی تدارک دیده است. کتاب مقدس همه اینها را در یک کلمه عظیم و کاملاً فراگیر جمع می کند که «نجات» می باشد. مسیحیان اغلب نجات را محدود به بخشیده شدن گناهان شخص و تولد دوباره او می دانند ولی مسأله شگفت انگیز این است که، این، تنها قسمت اول همه آن نجاتی است که در عهد جدید آشکار شده است.

عیسی تنبیه شد تا ما بخشوده شویم  
 عیسی زخمی شد تا ما شفا بیابیم  
 عیسی با گناهکاری ما گناه شد تا ما با عدالت او عادل شویم  
 عیسی به جای ما مرد تا ما از حیات او برخوردار شویم  
 عیسی فقر ما را متحمل شد تا ما در فراوانی او شریک شویم  
 عیسی شرم ما را متحمل شد تا ما در جلال او شریک شویم  
 عیسی طرد شدگی ما را متحمل شد تا ما پذیرش او را توسط پدر دریافت کنیم  
 عیسی متحمل لعنت شد تا ما وارد برکت شویم